

کشیک‌های اختیاری کرونا

دکتر فرشته قانع پزشک عمومی است. از همکارانش شنیده بودم که تکاپوی زیادی در دوران کرونا داشته و حتی ۲ بار به این ویروس مبتلا شده است، اما هنوز هم مانند هر بار، با انرژی بیشتری به بیمارستان‌ها برمی‌گردد. او متولد ۷۱ است، از آن دهه‌هفتادی‌ها که می‌شود الگویی برای بقیه معرفی شود. «بعد از مرخصی زایمان و درست زمانی که باید سر کار برمی‌گشتم، کرونا شروع شده بود. با اینکه مدتی از طرح‌های باقی مانده بود، به این دلیل که بچه کوچک داشتم، می‌توانستم مرخصی بدون سنوات بگیرم. مادرم دل‌نگران سلامتی من و بچه‌هایم بود. به همین دلیل، می‌گفت که مرخصی بگیرم، اما نیت دیگری در دل داشتم. بنابراین با اینکه فرزند بزرگم ۴ سال و دیگری حدود ۲ سال داشت، در بیمارستان‌های قائم و امام‌رضا شروع به کار کردم.»

یک هفته در بیمارستان می‌خواهیدم

کشیک‌های کرونا به صورت اختیاری و داوطلبانه انجام می‌گرفت، اما قانع این بار هم به صورت داوطلبانه، علاوه بر کشیک‌های موظفی خود، در اورژانس بیمارستان‌های قائم و امام‌رضا^(۱) فعالیت می‌کرد. او باور دارد نجات یک نفس، در واقع یک زندگی را نجات می‌دهد. بنابراین همیشه تا آخرین لحظه برای زنده ماندن بیمارانش تلاش می‌کند. به گفته خودش، در دوران پیک کرونا، بیشترین کاری که در بیمارستان انجام می‌دهد احیای قلبی ریوی است. «یک مرتبه در اوایل موج دوم بیماری، خودم و همه اعضای خانواده، حتی بچه‌هایم درگیر کرونا شدیم و مرتبه دوم، در موج پنجم کرونا بود که آن قدر با بیمارانش ارتباط داشتیم که می‌دانستیم مبتلا می‌شویم. به همین دلیل، در مدت یک هفته، تنها چند ساعت برای دیدن بچه‌هایم به خانه می‌رفتم، آن هم از دور و با ماسک. وقتی هم بچه‌هایم می‌خواهیدند، دوباره به بیمارستان برمی‌گشتم.»

بعد از این یک هفته، علائم بیماری قانع کم‌کم خود را نشان می‌دهد. به همین دلیل، همسر و فرزندانش به خانه مادر او می‌روند و خودش در خانه دوران نقاهت بیماری را می‌گذراند. «۴ روزی در خانه ماندم و به این دلیل که حال عمومی‌ام خوب بود، گفته بودم برایم کشیک بگذارند، اما همان روز که می‌خواستم به بیمارستان بروم، حالم خیلی بد شد. دیگر به حدی رسید که بعضی روزها پرستار به خانه می‌آمد و سرم و آمپول می‌زد. روزهای اول بیماری، حتی با بچه‌هایم تماس تصویری هم نداشتم زیرا مادرم می‌گفت بیشتر بی‌تاب می‌شوند. بعد از چند روز که با هم تصویری صحبت می‌کردیم، فکر می‌کردند من در بیمارستان هستم. دخترم می‌گفت: ماما، یعنی تا وقتی کرونا تموم نشه دیگه خونه نمی‌آی؟»

بیماران را جای عزیزان خودم در نظر می‌گیرم

او علاوه بر اینکه کشیک‌های بیمارستان را انجام می‌دهد، هر هفته یک بار به همراه گروه‌های جهادی برای معاینه رایگان در مناطق حاشیه شهر نیز می‌رود. اخلاقی که در او نهادینه شده این است که هر بیماری مراجعه می‌کند، ناخودآگاه او را به جای یکی از عزیزان خود تداعی می‌کند و هر تلاشی از دستش برمی‌آید دریغ نمی‌کند. «بارها شده است که در سالن‌ها و طبقات بیمارستان به دنبال سی‌تی‌اسکن یا آزمایش دوبده‌ام. یکی از بیمارانش خانمی بود که در اورژانس بیمارستان امام‌رضا^(۲) بستری بود. هم‌سن خودم بود و ۸ روز از زایمانش می‌گذشت. در حالی که نگران بچه‌اش بود، مدام اکسیژن خونسافت می‌کرد. این بیمار آن قدر بدحال شد که احیای قلبی و ریوی برای او انجام دادیم و خوشبختانه موفقیت‌آمیز بود، اما بعد از آن به آی‌سی‌یو منتقل شد و از سرنوشت او خبردار نشدم، با اینکه هنوز در ذهنم هست.»

او معتقد است در زمان‌های اوج کرونا، روزی نیست که صدای شیون خانواده‌های داغ‌دار را نشنوند و حتی گاهی که بیماری جان می‌دهد، پزشکان و پرستاران هم اشک‌هایشان روی گونه‌ها جاری می‌شود. «من برای کشیک به بیمارستان‌های اکبر و ام‌البنین^(۳) نیز رفته‌ام. در بیمارستان ام‌البنین^(۳)، وقتی مادر باردار مبتلا به کرونا باشد، اتاق او را جدا می‌کنند و شاید کمتر بالای سر بیمار می‌روند، اما با رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی، سعی می‌کردم در کنار این مادران باشم زیرا آن‌ها علاوه بر درد زایمان، درد بیماری کرونا را هم تحمل می‌کنند.»

با اینکه تا به حال ۲ مرتبه به کرونا مبتلا شده و فشار کاری زیادی را در دوره‌های اوج بیماری تجربه می‌کند، بر این باور است که رشته پزشکی را با پذیرش خطرات آن انتخاب کرده است و حالا نیز پای انتخاب خود می‌ایستد. البته که نمی‌توان بر حمایت خانواده‌اش از او در این مسیر چشم پوشید. حتم دارم که خانواده کادر درمان نیز در اجر کار آن‌ها شریک هستند. «در این مدت خیلی دلتنگ خانواده‌هایمان می‌شویم و با هر بیماری که روبه‌رو می‌شویم، با عزیزانمان تماس می‌گیریم و یادآوری می‌کنیم مراقب خودشان باشند، اما سخت‌ترین موضوع برای ما این است که کاری از دستمان برای بیماران برنیاید.»

تلخ‌ترین روزهای کاری

به عنوان یکی از اعضای کادر درمان، فوت اقوام خود را در بیمارستان دیده است و آن روزها جزو تلخ‌ترین روزهای کاری‌اش به شمار می‌رود. با وجود این، هنوز برخی خویشاوندان او نکات لازم را درباره بیماری رعایت نمی‌کنند. «هر بیماری‌ای که اتفاق بیفتد، به مردم خدمت ارائه می‌دهیم، اما نگرانی ما بابت حال خود و خانواده‌شان است. یکی از آن‌ها شوهر عمه‌ام بود که در عرض ۵ روز در بیمارستان فوت کرد.»

جهادگری را مربوط به برهه خاصی نمی‌داند و معتقد است تا زمانی که افراد نیازمند در جامعه باشند، باید هر کاری از دستمان برمی‌آید برای آن‌ها انجام دهیم. قانع یکی از اعضای تصمیم‌گیرنده در راه‌اندازی قرارگاه شهید سلیمانی است که از همان ابتدا وظیفه هماهنگی و تعیین کشیک پزشکان را برعهده می‌گیرد. او معتقد است درصد بانوان کادر درمان که در قرارگاه فعالیت می‌کنند به نسبت مردان، ۶۰ به ۴۰ است. این نشان می‌دهد بانوان بسیاری در حوزه جهادگری فعال هستند. «اقدامات این قرارگاه برای کاهش فشار کاری بیمارستان‌ها و خدمت‌رسانی بیشتر به بیماران کرونایی است. من به همراه ۴ پزشک دیگر با گروه شهریاران سلامت مشهد همکاری می‌کنیم و مشاوری‌ها و آنالیز به بیماران کرونا ارائه می‌دهیم. هر شب بعد از اینکه بچه‌هایم می‌خوابند، چند ساعتی به پرسش‌های بیماران پاسخ می‌دهم.»

شهربانو

۲۲ شهریور ۱۴۰۰
شماره ۱۴۴۴ شماره ۳۳۷۹

(۵)

